

گام به گام معارف مهدویت

♦ ویژه دانش آموزان راهنمایی و دبیرستان

از مهدی شناسی

تا مهدی پوری



♦ تهیه و تنظیم
بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود
شعبه آبادان و خرمشهر

صَلَاةً

گام به گام معارف مهدویت

■ مؤلف: مسعود دریس

■ ناشر: سبط النبی علیه السلام

■ چاپ: اول ۱۳۸۸

■ قیمت: ۷۰۰ تومان

■ تیراژ: ۳۰۰۰

مرکز پخش: قم / خیابان صفائییه / کوچه ممتاز / کوی هفتمی / پلاک ۱۷ و ۱۹

تلفن: ۴- ۷۷۴۵۰۷۳ فاکس: ۷۷۴۵۰۷۵ همراه: ۰۹۱۲۵۵۳۳۴۱۱

پخش تهران: ۰۹۱۲۷۵۴۵۲۰۵ صندوق پستی: ۱۱۳۳ - ۳۷۱۵۳

آبادان - بلوار دهمداری جنب استادیوم هفتمی - کلون آزادگان - طبقه دوم دفتر بنیاد

فرهنگی حضرت مهدی (عج) شعبه آبادان و فرمایشیه

تلفن: ۲۲۲۰۰۲۰ - ۰۶۳۱ فاکس: ۰۶۳۱ - ۲۲۳۰۱۱۱

همراه مدیرعامل: ۰۹۱۶۱۳۱۰۹۸۴

گام به گام معارف مهدویت

از مهدی شناسی تا مهدی یابوری

ویژه دانش آموزان راهنمایی و دبیرستان

فهرست مطالب

سلام.....	۹
وصف جوان.....	۱۱
امام مهدی در یک نگاه.....	۱۲
ویژگی‌های ظاهری و اخلاقی حضرت.....	۱۳
امام مهدی <small>علیه السلام</small> در قرآن.....	۱۵
مراحل زندگی حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>	۱۷
غیبت صغری.....	۱۸
غیبت کبری.....	۲۰
فنیلیت انتظار و مقام منتظر.....	۲۲
مهدی یاوران.....	۲۵
۱. معرفت.....	۲۵
۲. ایمان و عمل صالح.....	۲۶
۳. عبادت (ذکر).....	۲۶
۴. معرفت امام.....	۲۷
۵. محبت.....	۲۸
۶. اطاعت.....	۲۸

- ۲۹.....۷. شهادت طلبی
- ۲۹.....۸. وسعت نگاه
- ۲۹.....۹. جهاد و مقاومت
- ۳۰.....۱۰. شجاعت
- ۳۰.....۱۱. ایثار
- ۳۱.....۱۲. بردباری
- ۳۱.....۱۳. یکدلی
- ۳۲.....۱۴. استواری
- ۳۲.....۱۵. ستم ستیزی
- ۳۳.....۱۶. احیای سنن
- ۳۳.....۱۷. احیای قرآن
- ۳۴.....۱۸. عصیان ستیزی
- ۳۴.....۱۹. عزتمندی
- ۳۴.....بشارت‌ها
- ۳۶.....وظایف منتظران (۸۰ وظیفه)
- ۴۱.....اندیشه مهدویت و آسیبها
- ۴۱.....۱. برداشتهای انحرافی از انتظار فرج
- ۴۲.....۲. افراط و تفریط در ارائه چهره مهر و قهر از حضرت
- ۴۳.....۳. طرح مباحث غیر ضروری
- ۴۳.....۴. تعجیل، شتابزدگی؛
- ۴۴.....۵. توقیت؛
- ۴۴.....۶. تطبیق

۷. ملاقات گرایی ۴۵
۸. مدعیان دروغین مهدویت، نیابت خاصه و عامه... ۴۵
- راه مبارزه و درمان ۴۶
- انتظار چیست و منتظر کیست؟ ۴۷
- انقلاب اخلاقی مهدوی ۴۹
- انقلاب علمی و فرهنگی مهدوی ۵۰
- عدالت جهانی مهدوی ۵۱
- امنیت و صلح جهانی مهدوی ۵۲
- چرا مهدویت ۵۲
- نوشته‌های سبز ۶۴
- نیازهای نسل نو ۶۸
- حرف‌های ما ۶۸
- سخن پایانی ۷۷
- رسم دوستی ۷۸
- معرفی چند کتاب پیرامون امام زمان علیه السلام ۸۱
- کتاب‌های مفید مقطع راهنمایی ۸۱
- کتاب‌های مفید مقطع دبیرستان ۸۲
- معرفی سایت‌های مهدوی ۸۴

سلام

اندیشه مهدویت، پاسخگوی کامل و جامع به خواسته و نیاز دیرین انسانها در اصلاح وضعیت نابسامان زندگی بشری است.

مهدویت نه فقط برای فردای مبهم بشریت، روشنی و زیبایی عرضه می‌کند که امروز بشر نیز در گرو فهم و معرفت به این موضوع است. و شناختن امام و راه، اهداف و جایگاه امام و وظایف ما در قبال او، همان زندگی جاهلی است که مرگ جاهلی را در پی دارد و روایات بسیاری به آن پرداخته‌اند.

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام آبادان در راستای این هدف مهم، این مجموعه را فراهم آورده تا به تبیین مباحث و موضوعات مختلف فرهنگ مهدویت به صورت مختصر و با حجمی اندک بپردازد. در این قسمت لازم و ضروری می‌دانم از همه عزیزانی که در تهیه و چاپ این اثر ما را یاری نموده-

اند تقدیر و تشکر کنم. به ویژه از سروران محترم؛
 محمد منصفی، عباس کمند پرا، جابر سامری و سرکار
 خانم علی نژادیان، که خالصانه خدمت وافری به این
 بنیاد نموده‌اند، امیدوارم خداوند متعال از همه پذیرا
 باشند.

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام آبادان - خرمشهر

مسعود دریس

وصف جوان

جوانی بهار سبز حیات است و فصل شیرین زندگی را در جوانی می‌توان جست. نشاط، شادابی، تلاش، اراده، پشکار، نیرو، احساس، نوگرایی، فضیلت‌جویی و دهها ویژگی دیگر درد این مقطع جلوه می‌کند.

جرقه‌های هویت‌جویی و استقلال‌طلبی که به نوعی همراه با بازیابی و بازسنجی گذشته خود و جامعه است، نخست در دوران جوانی زده می‌شود.

و بالاخره امید به آینده بر برجسته‌ترین نمای زندگی یک جوان است. او وقتی به حال و شرایط موجود خود عشق می‌ورزد و از اراده و تلاش بر خوردار می‌گردد که افق آینده خود را شفاف و روشن ببیند. این نشاط امید بخش، به منزله نیروی محرکه‌ای برای حیات و لذت بردن از کار و کوشش است. که این مهم در سایه تربیت و سلوک مهدوی و قرار گرفتن در معرض تابش انوار قدسیه امام عصر علیه السلام به کمال می‌رسد.

امام مهدی در یک نگاه

دوازدهمین پیشوای معصوم علیه السلام حضرت حجة بن الحسن المهدی علیه السلام در نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری در شهر سامراء (از کشور عراق) به دنیا آمد. نام شریف حضرت همان نام پیامبر صلی الله علیه و آله است و کنیه حضرت مثل پیامبر «ابو القاسم» است. پدر بزرگوارش پیشوای یازدهم، امام حسن عسکری علیه السلام و مادر گرامیش، نرجس خاتون است که از نظر فضیلت و کرامت به حدی است که حکیمه خاتون، خواهر امام هادی علیه السلام او را سر آمد و سرور خاندان خویش و خود را خدمتگذار او می‌نامد. القاب آن حضرت بسیار است، از جمله:

۱. «مهدی» که مشهورترین لقب آن حضرت است و به معنی هدایت شده از سوی خداست.
۲. «قائم» به معنی قیام کننده به حق. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: از این جهت قائم ما را قائم نامیدند که پس از فراموش شدن نامش قیام می‌کند.
۳. بقية الله یعنی بازمانده الهی، به این لقب مشهور شده چون آخرین حجت خدا و ذخیره الهی برای عالم است.

لقب‌های دیگر حضرت عبارتند از: حجة‌الله،
خلف صالح، منتقم، صاحب الأمر، صاحب الزمان،
منصور و منتظر.

ویژگی‌های ظاهری و اخلاقی حضرت

حدیث نگاران و تاریخ نویسان بر اساس روایات
فراوان، شمایل و اوصاف آن حضرت را بیان کرده‌اند
که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

حضرت مهدی علیه السلام چهره‌اش جوان و گندم‌گون،
ابروانش هلالی و کشیده، چشمانش سیاه و درشت،
شانه‌اش پهن، دندان‌هایش برق و گشاده، بینی‌اش کشیده
و زیبا، پیشانی‌اش بلند و تابنده، استخوان بندیش
استوار، گونه‌هایش کم گوشت و برگونه راستش خالی
مشکین، عضلاتش پیچیده و محکم، اندامش متناسب و
زیبا و هیئتش خوش منظر و رباینده است.^۱

و اما از نظر اخلاقی در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
نقل شده است که فرموده‌اند: او شبیه‌ترین مردم به من
است در قیافه و گفتار و رفتار همچنین از ویژگی‌های
حضرت، شب زنده داری و انس با سجاده مناجات

۱. در این رابطه مقاله‌ی زیبایی در فصلنامه انتظار ش ۵ با عنوان «جمال یار»
آمده است.

است و در روایات آمده است به خاطر عبادت و بیداری شب رنگ چهره حضرت به زردی متمایل است. و از ویژگی‌های حضرت آن است که اهل جهاد و مبارزه است. با هیچ ظالم و ستمکاری سازش ندارد و مبارز است. با هیچ ظالم و ستم کاری سازش ندارد و با آنان تا آنجا می‌جنگد که رشیه ظلم و ستم را از پهنه زمین بر چیند. امام صادق علیه السلام درباره آیه «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ» فرمود: هنوز تاویل این آیه تحقق نیافته است؛ وقتی قائم ما قیام کند آنها که او را درک کنند، تاویل این آیه [و معنی باطنی آن] را خواهند دید. ولی آن حضرت، در کنار جهاد گری و مبارزه و صلابت در مقابل دشمنان، با مردم بسیار مهربان و صمیمی است. در روایتی از امام رضا علیه السلام آمده است: آن حضرت نسبت به مردم از پدر و مادرشان، مهربانتر و دلسوزتر است. و حضرت مهدی خود فرمودند: ما هرگز شما (شیعیان) را به حال خود رها نکرده و شما را از یاد نبرده ایم و اگر جز این بود بلاها از هر سو بر شما فرود می‌آمد و دشمنان، شما را نابود می‌کردند. یکی دیگر از ویژگی‌های رفتاری حضرت زهد و ساده زیستی ایشان است مثل پدران بزرگوارش. امام صادق علیه السلام فرموداند: به خدا قسم لباس مهدی نیست مگر پوششی خشن و خوراک

او نیست مگر غذایی ساده.

در روایتی از امام صادق علیه السلام سایر ویژگی‌های حضرت اینگونه مطرح شده است: او در برابر خدا از همه فروتن‌تر است. آنچه به مردم فرمان می‌دهدیش از دیگران به آن عمل می‌کند و آنچه مردم را از آن نهی می‌کند خود بیش از همگان از آن پرهیز می‌کند... او داناترین، حکیم‌ترین، پرهیزگارترین، بردبارترین، سخی‌ترین و عابدترین مردم است... دیدگانش در خواب فرو می‌رود ولی دلش همیشه بیدار است. فرشتگان با او سخن می‌گویند. عطر و جودش از هر مشکی خوشبوتر است...

امام مهدی علیه السلام در قرآن

در قرآن کریم، درباره مسایل آینده جهان و حوادث آخرالزمان و حکومت یافتن صالحان - گاه به اشاره و گاه به تصریح - سخن گفته شده است. مفسران قرآن این‌گونه آیات را با استفاده از احادیث پیامبر و اهل بیت علیهم السلام به وجود مقدس حضرت مهدی علیه السلام و یاوران آن حضرت و دوران سبز حاکمیت او تفسیر کرده‌اند. یکی از این آیات، آیه ۵۵ سوره مبارکه نور است. خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید:

خداوند آنان که ایمان آورده و عمل صالح انجام

داده‌اند وعده داده است که ایشان را در زمین خلافت خواهد بخشید همان‌گونه که پیشیان آنها را خلیفه ساخت و دین آنها را که برای آنها پسندیده است استوار و پایدار خواهد گردانید و پس از آنکه گرفتار ترس و بیم بودند، ایمنی و امان خواهد بخشید...

در این آیه شریفه خداوند متعال سه وعده بزرگ به مؤمنان نیک سیرت داده است: خلافت و حاکمیت بر زمین، استواری و فراگیری آئین و دین الهی و ایمنی و امنیت در همه جهان برای مؤمنان.

نکته مهم این که از سویی وعده خدا حق است و تخلف ناپذیر و از سوی دیگر جهانی شدن آئین الهی تاکنون اتفاق نیفتاده است به همین جهت مفسر بزرگ قرآن مرحوم طبرسی در تفسیر این آیه می‌گوید: چون گسترش دین در سراسر زمین و جهان گیر شدن آیین، از گذشته تاکنون پدیدار نشده است، پس به یقین این امر در آینده اتفاق خواهد افتاد، زیرا که جهانی شدن دین اسلام وعده‌ای الهی است و وعده خدا تخلف بردار نیست.

امامان معصوم علیهم‌السلام که مفسران واقعی قرآن هستند نیز در تفسیر آیه بیانات متعدّد دارند از جمله مرحوم طبرسی از امام سجّاد علیه‌السلام نقل کرده که آن حضرت پس از تلاوت آیه فوق فرمود: به خدا سوگند اینان شیعیان

ما هستند خداوند به دست مردی از ما این کار را در حق آنان خواهد کرد و آن مرد مهدی این امت است و او همان کسی است که پیامبر ﷺ درباره او فرموده است: اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد خداوند آن روز را چنان طولانی کند تا مردی از خاندان من حاکم جهان گردد. او همانم من است. او زمین را از عدل و داد پر خواهد کرد همانگونه که از ظلم و ستم لبریز شده باشد.^۱

چنین مطلبی درباره این آیه از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام نیز روایت شده است.

مراحل زندگی حضرت مهدی علیه السلام

در دوران امامت امام دهم علیه السلام و یازدهم علیه السلام در میان خلفای بنی عباس نگرانی عمیقی به وجود آمده بود این نگرانی مربوط به احادیث فراوانی بود که بشارت تولد فرزندی از امام حسن عسکری علیه السلام را می داد که واژگون کننده حکومت های باطل خواهد بود. به همین علت بود که دوران حمل و ولادت امام مهدی علیه السلام از مردم پنهان داشته می شد.

پس از ولادت در مدت ۵ سال که حضرت

۱. ر. ک: معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، ج ۵، ذیل آیه شریفه.

مهدی علیه السلام در روزگار پدر بزرگوارش بسر می‌برد زندگی مخفیانه داشت و جز اصحاب و یاران خاص امام عسکری علیه السلام کسی فرزندش را نمی‌دید آن هم به صورت پراکنده.

امام عسکری علیه السلام در آن دوره دو وظیفه اساسی را عهده‌دار بود یکی حفظ جان فرزندش از گزند خلفای عباسی و دیگر اثبات وجود او و اعلام امامتش به شیعیان و به همین جهت در فرصت‌های مناسب آن حضرت را به یاوران و شیعیان خاص و رازدار معرفی کرد.

چند تن از اصحاب خاص امام یازدهم نقل کرده‌اند: چهل تن از شیعیان نزد امام عسکری علیه السلام گرد آمدیم؛ آن حضرت فرزندش را به ما نشان داد و فرمود: این امام شما پس از من و جانشین من است. از او پیروی کنید و از گرد او پراکنده نگردید که هلاک می‌شوید و دینتان تباه می‌گردد. این را هم بدانید که پس از امروز او را نخواهید دید.

غیبت صغری

با شهادت امام حسن عسکری علیه السلام در سال ۲۶۰ ه. ق غیبت کوتاه مدت امام علیه السلام آغاز شد که تا سال ۳۲۹ ه. ق به طول انجامید.

این دوره نقش بسیار مهمی در ایجاد آمادگی شیعه برای پذیرش غیبت بلند مدت داشت. زیرا در طول غیبت صغری گرچه امام از نظرها پنهان بود.

اما کسانی بودند که با آن حضرت در تماس بودند و سمت نائب خاص امام را داشتند. شیعیان به وسیله نائبان خاص امام مشکلات و مسائل خود را به عرض حضرت می‌رساندند و پاسخ آنها را دریافت می‌کردند و در مواردی به وسیله آن نائبان به دیدار امام شرفیاب می‌شدند. نام و شرح داستان شرفیابی آنها در کتب معتبر آمده است.

نائبان خاص که همگی از علما و بزرگان شیعه بوده‌اند به ترتیب دوران نیابت عبارتند از:

۱. ابو عمر و عثمان بن سعید عمری که ظاهراً ۵ سال نائب حضرت بوده و در سال ۲۶۵ وفات کرده است.
۲. ابو جعفر، محمد بن عثمان عمری فرزند نائب اول است که ۳۰۵ هـ ق زندگی کرده و چهل سال نائب امام عصر علیه السلام بوده است.
۳. ابو القاسم، حسین بن روح نوبختی که تا سال ۳۲۶ هـ ق زندگی کرده و ۲۱ سال نیابت کرده است.
۴. ابو الحسن، علی بن محمد سمری که تا سال ۳۲۹ هـ ق زندگی کرده و سه سال نائب خاص

حضرت بوده است.

غیبت کبری

پس از پایان دوره غیبت صغری، دوران غیبت کبری (دراز مدت) شروع شد که تاکنون ادامه یافته است و به امر خداوند تا فراهم شدن زمینه‌های ظهور ادامه خواهد یافت.

آنچه مهم است این که همان‌گونه که در دوره غیبت صغری، شیعیان حضرت بدون رهبر و سرپرست نبوده‌اند و به واسطه نائبان خاص با آن حضرت در تماس بودند و وظایف خود را می‌شناختند در دوره غیبت کبری نیز به وسیله نائبان عام امام، به وظایف و تکالیف خود آشنا می‌گردند.

تفاوت نایب خاص و عام در این است که در نیابت خاصه، امام اشخاص معینی را نایب خود قرار داده بود که به اسم و رسم آنها را معرفی نموده و هر کدام را به وسیله نایب پیش از خود به مردم شناسانده بو ولی در نیابت عامه بر اساس یک ضابطه کلی، نائبان را معرفی کرده است و هر فردی که آن ضابطه را در همه ابعاد دارا باشد نایب امام شناخته می‌شود و به نیابت از امام، ولی مسلمین در امر دین و دنیا خواهد بود.

این مقام به وسیله خود حضرت مهدی عجل الله فرجه به عالمان واجد شرایط، واگذار شده است. شیخ طوسی و شیخ صدوق و شیخ طبرسی از علمای بزرگ شیعه از اسحاق بن عمار نقل کرده‌اند که گفت:

مولای ما حضرت مهدی (در مورد وظیفه شیعیان در عصر غیبت) فرموده است:

و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها الى رواة حديثنا فانهم حجتي عليكم و انا حجة الله عليهم.^۱

یعنی در حوادث و رخدادهایی که واقع می‌شود (و پیش می‌آید) به روایت کنندگان حدیث ما رجوع کنید که آنها حجت من بر شما و من حجت خدا بر آنان هستم.

مراد از راویان حدیث، همان فقها و دین‌شناسان متعهد هستند همانگونه که در روایت دیگری از امام صادق عجل الله فرجه شرائط علمی آنها اینگونه بیان گردیده است: «و اما من كان من الفقهاء صائناً لنفسه حافظاً لدينه مخالفاً لهواه مطيعاً لامر مولاه فللعوام ان يقلدوه.»^۲

یعنی هر یک از فقیهان که مراقب نفسش و نگهبان دینش و مخالف هوای و هوسش و

۱. احتجاج، ج ۲، ص ۴۵۹.

۲. احتجاج، ج ۲، ص ۴۵۸.

اطاعت کننده فرمان مولایش (ائمہ علیہ السلام) باشد، بر مردم لازم است که از او تقلید کنند (و وظایف خود را از او جویا شوند).

بدین ترتیب، امور مسلمین در زمان غیبت کبری به دست «ولی فقیه» قرار گرفت که با نظر او باید انجام گیرد.

فضیلت انتظار و مقام منتظر

ما اکنون در دوره انتظار هستیم. آن هم انتظار حضرت مهدی علیه السلام و ظهور دولت حق؛ که در روایات فضیلت‌های فراوان برای «انتظار فرج» مطرح شده و مقامی بس والا برای منتظران مهدی علیه السلام بیان گردیده؛ در روایتی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که: بهترین عبادت امت من انتظار فرج است و در سخنی از امام صادق علیه السلام روایت شده که: منتظر امر (حکومت) ما، مثل کسی است که در راه خدا به خون خود غلتیده باشد.

با توجه به این روایات، انتظار چیست؟ و منتظر کیست؟ آیا من و شما هم در خیمه انتظار قرار داریم و از جمله منتظران مهدی به شمار می‌آییم؟ بی تردید «انتظار حقیقی» عمیق است و آثار و لوازم دارد و «منتظر» وظایف و تکالیفی برعهده دارد. «انتظار فرج»

خود همیشه به دنبال ایجاد فضای یأس و نومیدی، در میان ملتها ست و به همین جهت با هر پدیده امید بخشی، مبارزه می‌کند و چون «اعتقاد به مهدی» و «انتظار فرج»، عاملی اساسی برای امید و حرکت است با شیوه‌های مختلف با آن مقابله می‌کند؛ گاهی اصل مهدویت را که مورد قبول همه مسلمین است انکار می‌کند که تخریب این عقیده مهم اسلامی و الهی است. مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در این زمینه می‌فرماید: امروز سیاست‌گذاران و طراحان استکباری مهمترین هدف خود را ایجاد می‌کنند به ملتها اینگونه تفهیم شود که فرهنگ و اعتقادات و شخصیت ملی و مذهبی ملتها نمی‌تواند کارساز باشد اما در مقابل آن، تفکر انتظار فرج و گشایش، امید بخش و حرکت آفرین است. و در جای دیگر می‌فرماید: حرکت آن حضرت هر سمتی باشد باید حرکت پیروان او هم به همان سمت باشد.

بنابراین انتظار به معنی حرکت در مسیر مهدی علیه السلام است و منتظر کسی است که پیوسته با ظلم و ستم و بی‌عدالتی می‌جنگد و خود را به فساد و آلودگی، گره نمی‌زند چون در انتظار امامی است که با قیامش جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد و از هر ظلم و ستم پاک خواهد کرد و از هر ظلم و ستم پاک خواهد نمود، به امید آن روز.

مهدی یاوران

یاران امام مهدی علیه السلام چه کسانی اند؟ چه ویژگی‌هایی دارند؟ آیا ما می‌توانیم در زمره آنان قرار بگیریم؟ اهمیت دانستن ویژگی‌های یاران امام مهدی علیه السلام به این جهت است که:

یکم. آگاهی از این ویژگی‌ها، معیاری است که به کمک آن، ما می‌توانیم خود را محک زده و بدانیم که آیا ما نیز در زمره یاران آن حضرت قرار داریم یا خیر.

دوم. یکی از مهمترین شرایط ظهور امام مهدی علیه السلام فراهم شدن یاران کار آمد است؛ با فهم این ویژگی‌ها و تلاش در مسیر کسب آنها، می‌توانیم یکی از شرایط ظهور را ایجاد کرده و در نتیجه به روز پر شکوه ظهور نزدیکتر شویم.

بعضی از ویژگی‌ها عبارت است از:

۱. معرفت

اساسی‌ترین ویژگی یاران امام مهدی علیه السلام معرفت عمیق نسبت به خداوند متعال است. این معرفت چنان استوار است که نه شبهات در آن خللی ایجاد کند و نه تردیدها و شک‌ها در حریمش راه می‌یابد. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«رجال مؤمنون عرفوا الله حق معرفته و انصار المهدي في آخر الزمان.»^۱
 یاران مهدی علیه السلام در آخر الزمان کسانی هستند
 به خداوند آن چنان که شایسته است، معرف
 دارند.»

۲. ایمان و عمل صالح

ثمره معرفت به خداوند، ایمان به او و عمل صالح
 است. بنابراین یاران امام مهدی علیه السلام زندگی مؤمنانه‌ای
 دارند و اخلاق و رفتارشان، شایسته و انسانی است.
 برای اهمیت این دو ویژگی همین بس که خداوند،
 وقتی می‌خواهد کسانی را که در آخر الزمان حکومت
 عدل جهانی را بر پا می‌دارند معرفی کند، ایمان و عمل
 صالح آنان را مطرح می‌فرماید:

وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
 لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ...^۲

«خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و
 کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که
 قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد...»

۳. عبادت (ذکر)

معرفت و ایمان ریشه دوانده در دل یاران امام

۱. منتخب الاثر، ص ۶۱۱.

۲. نور، ۵۵.

مهدی علیه السلام و آنها را به خضوع در برابر حق تعالی و تلاش در مسیر بندگی سوق میدهد. امام صادق علیه السلام عبادت و راز و نیاز یاران امام مهدی علیه السلام را این گونه ترسیم فرموده است:

«لهم فی الیل اصوات کاصوات الثواکل حزناً
من خشية الله»^۱

«یاران مهدی علیه السلام در دل شب از خشیت خداوند ناله‌هایی دارند، مانند ناله مادران پسر مرده».

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«مجدون فی طاعة الله»^۲

«آنان در طریق عبودیت اهل جدیت و تلاش‌اند».

۴. معرفت امام

ویژگی دیگر یاران امام مهدی علیه السلام بینش عمیق آنان نسبت به آن حضرت است. امام سجاد علیه السلام در این خصوص فرموده:

«... القائلین بامامته»^۳

«آنان به امامت مهدی علیه السلام اعتقادی [راسخ] دارند».

این معرفت ژرف دو ثمره اساسی دارد: عشق ورزی به ساحت مقدس امام مهدی علیه السلام و اطاعت بی چون و چرا از او (محبت و اطاعت).

۱. بشارة الاسلام، ص ۲۲۰.

۲. همان، ص ۹.

۳. منتخب الاثر، ص ۲۲۴.

۵. محبت

دل‌های یاران امام مهدی علیه السلام سرشار از محبت به آن حضرت است، به گونه‌ای که در آوردگاه رزم، او را به مانند نگینی در بر می‌گیرند و جان خود را سپر بلایش می‌کنند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«يُحَقِّقُونَ بِهِ وَيَقُونَهُ بِأَنْفُسِهِمْ فِي الْحَرْبِ»^۱

«یاران مهدی علیه السلام در میدان رزم گردش می‌چرخند و با جان خود از او محافظت می‌کنند».

۶. اطاعت

مقدم داشتن خواست حضرت بر خواست خود، از دیگر شاخصه‌های یاوران امام مهدی علیه السلام است امام صادق در این خصوص فرمودند:

«هُمْ أَطُوعٌ مِنَ الْأُمَّةِ لَسِيدِهَا»^۲

«اطاعت آنان از مهدی علیه السلام از فرمانبرداری کنیز در برابر مولایش بیشتر است».

یاران امام در برابر قرائت آن حضرت، از خود قرائتی ندارند و هیچ گاه به بهانه نواندیشی و روشن بینی، از امام خود سبقت نمی‌گیرند.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷.

۷. شهادت طلبی

از امام صادق علیه السلام روایت شده است:

«... و یتمنون ان یقتلوا فی سبیل الله»^۱

«یاران مهدی علیه السلام آرزو می‌کنند که در راه خدا به

شهادت برسند».

قیام امام مهدی علیه السلام از نظر جغرافیایی، گسترده‌ترین جنبش‌ها است؛ چرا که حکومت عدل آن حضرت جهانی بوده و همه زمین را در بر خواهد گرفت. برای پیریزی حکومتی با این وسعت و عظمت، یاران آن حضرت باید ویژگی‌های مناسب با این کار بزرگ داشته باشند.

۸. وسعت نگاه

اگر امام مهدی علیه السلام می‌خواهد جهانی را به معنویت و رشد برساند، یاران حضرت نیز ایده‌هایی بزرگ، نگاهی جهانی و طرح و برنامه‌هایی فراگیر خواهند داشت.

۹. جهاد و مقاومت

در مسیر گسترش فضیلت و عدالت در پهنه گیتی، هدایت‌گریزان و عدالت‌ستیزان فراوانی وجود دارند

که سدّ راه امام شده و در برابرش صف خواهند کشید. بنابراین یاران و همراهان آن حضرت، اهل جهاد و مقاومت در راه خدا هستند.

امام علی علیه السلام در تفسیر آیه **تُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ** فرمود: «هم اصحاب القائم»؛^۱ «آنان یاران امام قائم‌اند».

۱۰. شجاعت

اگر جهاد هم مبارزه، جهانی و فراگیر است، پس یاران امام مهدی علیه السلام شجاعت و جسارتی در خور و عزم‌هایی پولادین دارند. امام سجاد علیه السلام می‌فرماید:

«جعلت قلوبهم كزبر الحديد»؛^۲

«دل‌های یاران مهدی علیه السلام چون پاره‌های آهن شده است».

۱۱. ایثار

این حرکت گسترده، برای هدایت و سازندگی است. بنابراین یاران حضرت مهدی علیه السلام سختی‌ها را به جان خریده و از خوشی‌ها و لذت‌ها چشم می‌پوشند و با دست‌های مهربان‌شان، خوبی‌ها و خوشی‌ها را به

۱. مانند، ۵۴.

۲. منتخب الاثر، ص ۴۷۵.

۳. بشارة الاسلام، ص ۲۴.

دیگران هدیه می‌دهند؛ تا از این رهگذر، قلب‌ها را نرم کنند و رهیدگان را به دامان پر از مهر و محبت دین برگردانند.

۱۲. بردباری

آنان در راه تحقق آرمان‌های جهانی امام مهدی علیه السلام مشکلات مصائب فراوانی را به جان می‌خرند؛ ولی از سر اخلاص و تواضع، عمل خود را هیچ پنداشته و به جهت هجوم سختی‌ها و تحمل مشقت‌ها، بر خداوند منت نمی‌گذارند:

«قوم... لم یمنوا علی الله بالصبر»^۱

«یاران امام مهدی علیه السلام کسانی‌اند که به جهت بردباری شان بر خداوند منت نمی‌گذارند».

۱۳. یکدلی

از آنجایی که هواها و خودخواهی‌ها از یاران امام مهدی علیه السلام رخت بر بسته و به جای آن، خدا خواهی و خدا پرستی نشسته است، آنان یک رنگ و یک دل‌اند: «قلوبهم مجتمعة»^۲ «یاران مهدی علیه السلام دل‌هایی متد دارند».

۱. بشارة الاسلام، ص ۲۲۰.

۲. همان.

۱۴. استواری

توجه به وجود تأییدات الهی در حرکت بزرگ ولی عصر علیه السلام تأثیر شگرفی بر روان یاران آن حضرت بر جای خواهد گذاشت و ملامت‌ها و سرزنش‌های کوتاه‌بینان و عافیت طلبان در عزمشان خللی نخواهد افکند: امام علی علیه السلام در تفسیر آیه *يَتَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ... وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ...*^۱ فرمود: «هم اصحاب القائم»؛^۲ «آنان یاران امام قائم علیه السلام هستند».

۱۵. ستم ستیزی

از جمله آرمان‌های حضرت، ظلم ستیزی است و کسانی خواهند توانست همراه او برای قطع ریشه‌های ستم و بی عدالتی گام بردارند و در این مسیر استوار بمانند که خود نیز از ظلم، گریزان باشند و خویشان را از جور و ستم پیراسته سازند. در دعای ندبه آمده است:

«این المدّ لقطع دابر الظلم»؛

«کجا است مهیا شده برای ریشه کن نمودن نسل ستمگران».

۱. مانده، ۵۴.

۲. منتخب الاثر، ص ۴۷۵.

۱۶. احیای سنن

از دیگر رسالت‌های حضرت مهدی علیه السلام احیای فریضه‌های و سنت‌های الهی است؛ یاران او نیز نسبت به این امر، باید اهتمام کامل داشته باشند:

«این المدّخر لتجدید الفرائض و السنن»؛

«کجا است، آن ذخیره‌ای که فریضه‌ها را احیا می‌کند؟»

۱۷. احیای قرآن

آن حضرت قرآن را از غربت به در می‌آورد و گردهای نشسته بر رُخس را می‌زداید. یاران او نیز نه تنها اهل قرائت قرآن‌اند؛ بلکه آن را در اعماق جان‌شان جریان بخشیده و با آن زندگی می‌کنند؛ امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«یجلی بالتنزیل بصائرهم و یرمی بالتفسیر فی مسامعهم»^۱

«با قرآن دیدگان‌شان نورانی می‌شود و تفسیر آن در گوش جان‌شان جا می‌گیرد».

«این المؤمنل لاحیاء الکتاب و حدوده»؛

«کجا است آن که آرزو می‌رود قرآن و حدودش را زنده کند».

۱۸. عصیان ستیزی

یاران حضرت حقیقتاً از آلودگی‌های مختلف پاک هستند. آنها با قول و عمل خویش، با بدی‌ها مبارزه می‌کنند. امر به معروف و نهی از منکر، یکی از ویژگی‌هاست که قرآن برای مؤمنان واقعی بر شمرده است.

«این مبیّد اهل الفسوق و الطغیان و العصیان»؛
«کجا است آن بنیان‌کن اصحاب فسق و عصیان
و طغیان؟»

۱۹. عزتمندی

آن حضرت می‌آید تا عزت واقعی مؤمنان را در ظاهر، نمایان سازد و بی‌مایگی و بی‌پایگی برتری ظاهری جبهه طاغوت را بر ملا کند. کسانی خواهند توانست با او در پیمودن این مسیر همراه و هم‌گام باشند که به عزت واقعی پارسایان، با تمام وجود اعتقاد داشته باشند و باطل را ذلیل و زبون بدانند:

«این معزّ الأولیاء و مذلّ الأعداء»؛

«کجا است عزت بخش دوستان و خوارکننده دشمنان؟»

بشارتها

۱. جوانان از فطرت‌هایی پاک و بی‌آلایش

بشارت‌ها
مهدیون

برخودار بوده و تعلقات و وابستگی‌ها، در اعماق جانشان ریشه ندوانده است؛ از این رو بیشترین یاران آن حضرت را تشکیل خواهند داد. البته جوان بودن یاران امام، لطمه‌ای به جایگاه پیران با ایمان نزده و بر عدم همراهی ایشان گواهی نمی‌دهد.

۲. بر اساس برخی روایات، بانوان نیز در میان اصحاب ویژه آن حضرت، حضور چشم‌گیری دارند و این، نوید شوق انگیز و شغف آوری برای تمامی بانوان مهدی‌یاور است تا کمر همت بسته و برای پیوستن بر این جمع پربرکت تمام توان خود را به کار گیرند:

«یجیء - والله - ثلاث مائة و بضعة عشر رجلاً
فیهم خمسون امرأة یجتمعون بمكة؛ علی غیر
میعاد»؛

«به خدا سوگند ۳۱۳ تن که پنجاه تن از بانوان نیز در میانشان حضور دارند، بدون هیچ قرار قبلی در مکه گرد هم جمع خواهند شد».

پس یاوران حضرت مهدی علیه السلام به حق از صفاتی عالی و کمالاتی والا برخوردارند و پیوستن به این مجموعه با فضیلت، برای همگان امکان‌پذیر است؛ زیرا دلیل معتبری در دست نداریم که یاران امام مهدی علیه السلام افرادی معین - با نام و مشخصات خاص - هستند بنابراین هر کس می‌تواند با طرح این احتمال

که شاید من یکی از یاران ویژه حضرت مهدی علیه السلام باشم، انگیزه درونی خود را تقویت کند و با تلاش فراوان، به جرگه یاران ویژه حضرت نائل آید. از طرفی اگر همت پیوستن به جمع یاران ویژه حضرت را نداشته باشیم؛ می‌توانیم جزو خیل عظیم همراهان حضرت و لشکر همگانی آن عزیز قرار گیریم. آری باید بکوشیم تا جایی که ممکن است در این مسیر گام برداریم و البته نباید ناامید بود چرا که هر کس به مقدار توان و تلاش خویش درجاتی از یاران امام را خواهد داشت.

وظایف منتظران (۸۰ وظیفه)^۱

۱. تحصیل شناخت صفات و آداب و ویژگی‌های

آن جناب

۲. رعایت ادب نسبت به یاد او
۳. محبت خاص نسبت به آن حضرت
۴. محبوب نمودن او در میان مردم
۵. انتظار فرج و ظهور آن حضرت
۶. اظهار اشتیاق به دیدار آن حضرت
۷. ذکر مناقب و فضایل آن حضرت

۱. ر.ک: مکیال المکارم، ج ۲، ص ۵۸.

۸. اندوهگین بودن مومن از فراق آن حضرت
۹. حضور در مجالس فضایل و مناقب آن حضرت
۱۰. تشکیل مجالس ذکر مناقب و فضایل آن حضرت
- ۱۱ و ۱۲. سرودن و خواندن شعر در فضایل و مناقب آن حضرت
۱۳. قیام، هنگام یاد شدن نام یا القاب آن حضرت
- ۱۴ و ۱۵ و ۱۶. گریستن و گریاندن و خود را به گریه کنندگان شبیه نمودن بر فراق آن حضرت
۱۷. درخواست معرفت امام عصر از خداوند
۱۸. تداوم درخواست معرفت آن حضرت
۱۹. مداوت به خواندن دعای غریق
۲۰. دعا در زمان غیبت آن حضرت
۲۱. شناختن علامت‌های ظهور آن حضرت
۲۲. تسلیم بودن و عجله نکردن
۲۳. صدقه دادن به قصد سلامتی آن حضرت
۲۴. صدقه دادن به نیابت آن حضرت
- ۲۵ و ۲۶. حج رفتن به نیابت از آن حضرت و فرستادن نایب از طرف آن جناب
- ۲۷ و ۲۸. طواف بیت الحرام به نیابت از امام و نایب ساختن دیگری تا از طرف ایشان طواف نماید
۲۹. زیارت مشاهد رسول خدا و ائمه به نیابت از

مولایمان

۳۰. استحباب اعزام نایب برای زیارت از سوی آن

حضرت

۳۱. سعی در خدمت کردن به آن حضرت

۳۲. اهتمام ورزیدن به یاری آن جناب

۳۳. تصمیم قلبی بر یاری کردن آن جناب در زمان

حضرت و ظهور او

۳۴. تجدید بیعت با آن حضرت بعد از فرائض همه

روزه و هر جمعه

۳۵. صله آن حضرت به وسیله مال

۳۶. صله شیعیان و دوستان صالح امام به وسیله مال

۳۷. خوشحال کردن مومنین

۳۸. خیرخواهی برای آن حضرت

۳۹. زیارت کردن آن حضرت علیه السلام

۴۰. دیدار مومنین صالح و سلام کردن بر آنان

۴۱. درود فرستادن بر آن حضرت

۴۲. هدیه کردن ثواب نماز به آن جناب

۴۳. هدیه نماز مخصوص

۴۴. نماز هدیه به آن حضرت به گونه مخصوص و

در وقت معین

۴۵. اهدا قرائت قرآن به آن حضرت علیه السلام

۴۶. توسل و طلب شفاعت نزد خداوند به وسیله

آن حضرت علیه السلام

۴۷. دادخواهی و توجه نمودن و عرض حاجت بر

آن حضرت علیه السلام

۴۸. دعوت کردن مردم به آن حضرت علیه السلام

۴۹. رعایت حقوق آن حضرت و مواظبت بر ادای

آنها و رعایت وظایف نسبت به آن بزرگوار

۵۰. خشوع دل هنگام یاد آن حضرت علیه السلام

۵۱. عالم باید علمش را آشکار سازد

۵۲. تقیه کردن از اشرار و مخفی داشتن راز از

اغیار

۵۳. صبر کردن بر اذیت و تکذیب و سایر محنتها

۵۴. درخواست صبر از خدای تعالی

۵۵. سفارش یکدیگر به صبر در زمان غیبت

حضرت قائم

۵۶. پرهیز از مجالسی که نام آن حضرت در آنها

مورد تمسخر باشد

۵۷. تظاهر با ستمگران و اهل باطل

۵۸. ناشناس ماندن و پرهیز از شهرت یافتن

۵۹. تهذیب نفس

۶۰. اتفاق و اجتماع بر نصرت آن حضرت

۶۱. موفق شدن بر توبه واقعی و بازگرداندن حقوق

به صاحبان آنها

۶۲ و ۶۳. پیوسته به یاد آن حضرت بودن و به آدابش عمل کردن

۶۴. دعا به درگاه الهی برای جلوگیری از نسیان یاد آن حضرت

۶۵. اینکه بدنت نسبت به آن جناب خاشع باشد
۶۶. مقدم داشتن خواسته آن حضرت برخواسته

خود

۶۷. احترام کردن نزدیکان و منسوبین به آن حضرت

۶۸. بزرگداشت اماکنی که به قدوم آن حضرت زینت یافته اند.

۶۹ و ۷۰. وقت ظهور را تعیین نکردن و تکذیب وقتگذاران.

۷۱. تکذیب مدعیان نیابت خاصه از آن حضرت در زمان غیبت کبری.

۷۲. درخواست دیدار آن حضرت با عافیت و ایمان

۷۳. اقتدا و تأسی جستن به اخلاق و اعمال آن حضرت

۷۴. حفظ زبان از غیر یاد خداوند و مانند آن

۷۵. نماز آن حضرت

۷۶. گریستن در معصیت مولایمان حضرت امام

حسین علیه السلام

۷۷. زیارت قبر مولایمان امام حسین

۷۸. بسیار لعنت کردن بر بنی امیه در آشکار و

پنهان

۷۹. اهتمام در ادای حقوق برادران دینی

۸۰. مهیا کردن سلاح و اسب در انتظار ظهور آن

جناب

اندیشه مهدویت و آسیب‌ها

هر امر مهم و خطیری به نسبت اهمیتش در معرض خطرات و آسیب‌هایی است. مقوله مهم مهدویت با اثرات بسیار حیات بخش و بهجت زا که کمترین نتیجه آن امید به آینده و سر فرود نیاوردن در مقابل حوادث، ظلم و ستم و سختی‌هاست. نیز از این قانده مستثنی نیست.

هدف این نوشتار، بررسی اجمالی برخی آسیب‌ها با تبیین آثار و خواستگاه، سپس راه مبارزه و درمان آنهاست.^۱

۱. برداشتهای انحرافی از انتظار فرج

برخی انتظار را صرفاً یک حالت روانی و

۱. برای اطلاع بیشتر رک: اندیشه مهدویت و آسیب‌ها، محمد صابر جعفری، مرکز تخصصی مهدویت.

منفعلا نه می‌پندارند و نهایت وظیفه خویش را دعا برای فرج یا امر به معروف و نهی از منکرهای جزئی می‌دانند، نه بیشتر؛ رکود و سستی، بی تفاوتی و بی توجهی به شرایط زمان و جامعه خود، سر تسلیم فرود آوردن در مقابل بدی‌ها و ستم‌ها و بازیچه سیاست‌بازان و منحرفان گشتن و مقابله با هر حرکت اصلاحی و قیام... برخی از نتایج این دیدگاه است.

۲. افراط و تفریط در ارائه چهره مهر و قهر از حضرت

برخی امام را چهره خشونت آفرین تصویر کرده‌اند و به دلیل عدم نگاه جامع به دین، بدون بررسی سندی و دلالتی، به شنیده‌ها و توهّمات خود بسنده می‌کنند.

گروهی دیگر امام را صرفاً شخصیتی تصور کرده‌اند که گویا هیچ مبارزه و جهادی ندارند، همه امور به معجزه حل می‌گردد. این برداشت‌ها، هر دو به وادی افراط و تفریط گراییده‌اند. امام مطابق روایات و سیره سلف صالح خویش؛ پدری است مهربان و از مادر مهربان‌تر «یکون... اشفق علیهم من آبائهم و امهاتهم و...»^۱ اما این مهربانی ولی خدا، چون مهر

خدا، از حکمت او سر چشمه گرفته است. چون طیبی حاذق که تیغ جراحی او از مهر و محبت اوست و پس از به کا بردن انواع مداواهاست.

۳. طرح مباحث غیر ضروری

برخی با طرح مباحث غیر مفید یا کم ثمر، چون ازدواج، مسکن، فرزندان و... اذهان افراد را از وظایف اصلی خویش نسبت به امام و زمینه سازی فردی و اجتماعی برای ظهور باز می‌دارند. البته این سؤالات پاسخ مناسب خود را می‌طلبند. ولی از آن جا که لازمه غیبت اخفا است، با توجه به روایات به ضرر قاطع نمی‌توان نظریه‌ای را مطرح ساخت اما عده‌ای هم خویش را این امور قرار داده و از مسایل واقعی و اصلی غافل می‌مانند.

۴. تعجیل، شتابزدگی؛

شتابزدگی آفت دیگری است که دامن برخی را گرفته است. گر چه نزدیک شمردن ظهور و مهیای ظهور بودن و کوشش برای زمینه سازی ظهور، بسیار مفید و پر ثمر است. لیکن نیاستی شتابزده بود. شتابزدگی بر گرفته از عدم درک حکمت و مصلحت خداست و گاه موجب یأس و ناامیدی یا رویکرد به شیادان و مدعیان دروغین می‌گردد.

۵. توقیت؛

تعیین وقت ظهور مسأله‌ای است که در روایات ما تصریح شده است که هر کس زمانی برای ظهور تعیین کند؛ دروغگو است و بایستی تکذیب گردد. امام باقر علیه السلام در روایتی سه بار فرمودند:

«كذب الوقاتون؛ كذب الوقاتون؛ كذب الوقاتون»
«الوقاتون»

البته امید به نزدیکی ظهور و آمادگی برای آن امری مطلوب است اما تعیین ظهور توسط هر کسی که باشد، بایستی تکذیب گردد.

تذکر: گاه مطالبی به برخی علماء نسبت می‌دهند که با کمی بررسی مشخص می‌گردد؛ مسأله چنین نبوده است و این استناد، استنادی صحیح نبوده یا سخن آن عزیز مورد تحریف قرار گرفته است.

۶. تطبیق

عده‌ای بدون قدرت تشخیص روایات صحیح و سقم از هم و صرفاً بر اساس توهمات و بافته‌های ذهنی خویش یا یافته‌های خود از طریق ریاضتهای غیر مشروع گمانه‌هایی می‌زنند و هر از چند گاه، علامتی را بر شخص یا اشخاصی منطبق می‌سازند، در نتیجه با عدم تحقق ظهور در آن دوره، باعث یأس و ناامیدی و حتی استهزاء و تکذیب باور مهدویت می‌گردد.

۷. ملاقات گرای

برخی تمام همّ خویش را در دیدار امام خلاصه کرده‌اند. اینان به دیگران نیز این‌گونه القاء میکنند، گویا هیچ وظیفه‌ای جز دیدار امام ندارند. غافل از این که آنچه مهم است؛ توجه و عنایت امام است. خیلی‌ها امام زمان خویش را دیدند و بر امام شمشیر کشیدند. تذکر دیگر اینکه گرچه عده زیادی در تاریخ خدمت امام رسیده‌اند، ولی فراموش نکنیم که دوران، دوران غیبت است و قرار نیست همه به خدمت امام برسند. بنابراین تأکید زیاد بر دیدار و ملاک محبوبیت و معنویت را دیدار امام قرار دادن، باعث یأس و ناامیدی (در اثر عدم دیدار) و تکذیب باور مهدویت است.

دیدار، امر مطلوبی است؛ اما آنچه مهم است و ویژگی منتظران امام است، انجام وظایفی است که برای او رقم زده‌اند.

۸. مدعیان دروغین مهدویت، نیابت خاصه و عامه

همیشه کسانی بوده‌اند که در مقابل گوهر ناب، بدل آن را ارائه داده‌اند. در مقابل پیامبران بدل آن را ارائه داده و مدعیان دروغین پیامبری، قد علم کرده‌اند. در بحث مهدویت نیز همیشه چنین بوده است. مخصوصاً با حمایت دسیسه‌بازان و سیاست‌بازان،

فرقه‌های متفاوتی چون بهائیت و... رخ نشان داده‌اند و مردمان بی بصیرت را به وادی گمراهی کشانده‌اند. مدعیان نیابت خاصه؛ ارتباط ویژه با امام، وکالت، پیام آوردن از امام و پیام نزد امام بردن، نیز به دلایل سیاسی یا هوی هوس و حتی مشکلات روحی و روانی هر از چند گاه بر سر می‌آورند و در آخر، عده‌ای بر خلاف تأکیدات روایات و استدلال عقلی که بایستی در دوران غیبت به کارشناسان و فقها مراجعه نمود و از ایشان مدد گرفت، در مقابل راه ریاضتها و سیر و سلوک‌هایی که در دین نیامده و بلکه بر خلاف سنت پیامبر گرامی اسلام ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام است، به ابتهاج‌ها و لذت‌های روحی دیگران را می‌خوانند، و خود را به عنوان جانشینان وحی قلمداد می‌نمایند و افراد را از وظایف اصلی باز می‌دارند و...

راه مبارزه و درمان

۱. مهمترین و اصلی‌ترین راه مبارزه؛ حساسیت علماء و اندیشمندان به ورود خرافات و آسیب‌ها و مبارزه جدی و به موقع و مؤثر با این آسیب‌هاست.
۲. علم و بصیرت در حوزه دین؛ آشنایی با دین و راه و سیره اهل بیت علیهم السلام از بسیاری از این انحرافات انسان را بیمه می‌سازد.

۳. علم و بصیرت در حوزه سیاست؛ دشمن شناسی و با خبری از آن چه در عرصه سیاست و جامعه رخ می‌نماید. دیدن دست پنهان استکبار و سیاست بازان برای تزریق روحیه خمودی و رکود و بی تفاوتی و ایجاد فرقه‌ها و گروه‌ها برای تشتت و انحراف جامعه دینی.

انتظار چیست و منتظر کیست؟

انتظار در لغت به معنای درنگ در امور، نگهبانی، چشم به راه بودن و نوعی امید داشتن به آینده است. و در اصطلاح نیز معنایی همانند معنای لغوی دارد. انتظار یک حالت روحی است که از درون و ضمیر فرد منتظر برآمده بر تمام اجزاء وجودی و ابعاد زندگی او تأثیر می‌گذارد.

عالم پرهیزگار مؤلف کتاب شریف مکیال المکارم می‌گوید: «انتظار، کیفیت روحی است که موجب بوجود آمدن حالت آمادگی است برای آنچه که انتظار می‌کشند و ضد آن یأس و ناامیدی است. هرچه انتظار، بیشتر باشد آمادگی نیز بیشتر است. آیا نمی‌بینی اگر مسافر در راه داشته باشی و چشم به راه آمدن او باشی، هر چه زمان رسیدن او نزدیک گردد، آمادگی برای آمدنش فزونی می‌یابد.

حالت انتظار، گاهی به پایه‌ای می‌رسد که خواب از چشم می‌گیرد. چنان چه درجات انتظار از این نظر تفاوت می‌کند و هرچه عشق به «منتظر» افزون باشد آمادگی برای (فرا رسیدن) محبوب افزون می‌گردد و (دیر آمدن) و فراق محبوب دردناک می‌شود تا بدانجا که انسان منتظر از خود، بی خود می‌شود و دردها و سختی‌های دردآور و مشکلات وحشت‌انگیز خود را (در راه محبوب) حس نمی‌کند. انتظار، معمولاً به حالت کسی گفته می‌شود که از وضع موجود ناراضی است و برای رسیدن به وضع مطلوب تلاش می‌کند. همانند بیماری که در انتظار شفا و بهبودی است یا پدری که در انتظار بازگشت جگر گوشه خویش از یک سفر طولانی است. یکی از بیماری خود ناخرسند است و دیگری از فراق فرزند ناخشنود و هر کدام نیز به نوعی برای رسیدن به وضع بهتر تلاش می‌کنند. بنابراین انتظار مرکب از دو عنصر است عنصر «نفی» و عنصر «اثبات» و هر کدام از این دو جزء، دو تأثیر متفاوت در سلوک و راه و روش منتظران بر جای می‌گذارند.

منتظر حقیقی از یک سو هرگونه همکاری و هم‌آوایی با عوامل ظلم و فساد و طغیان را ترک می‌کند، رنگ جماعت نمی‌گیرد، در کفر و نفاق جامعه و

جهان گم نمی‌شود (نفسی) و از سوی دیگر تلاش می‌کند خود و جامعه خویش را به جامعه مطلوب عصر ظهور نزدیک‌تر کند و با حفظ حالت آماده باش، خطاب به مولای خویش عرضه می‌دارد: «و نصرتی معدّة لکم»؛ «من آماده یاری و نصرت شما هستم.»

انقلاب اخلاقی مهدوی

۱. جامعه‌ای می‌سازد که مردم آن شهوت و غضب دارند و احتیاج به نان و خانه و کار و مطالعه و تفریح، و هنر او آن است که همه اینها را تعدیل می‌کند نه تعطیل.
۲. مردم به نوعی تربیت می‌شوند که به یکدیگر دروغ نمی‌گویند. چرا که ریشه دروغ در آن زمان کنده خواهد شد.
۳. اخلاق و ارزش انسانی را در جامعه بشری به کمال خواهد رساند.
۴. جامعه، غمگین و عصبانی نخواهد بود، بلکه شادی انسانی (نه حیوانی و نه به قیمت آزار رساندن به دیگران) وجود دارد.
۵. روح سود پرستی و خود محوری بر انداخته خواهد شد. از یکدیگر سود در مطالعه نمی‌گیرند و مشکلات همدیگر را حل می‌کنند.

۶. همه به هم کمک می‌کنند و یک دیگر را تقویت می‌نمایند و هیچکس ضعف دیگری را نمی‌پسندد. و به شکست دیگری نمی‌خندد و غم هر کسی غم همه و شادی هر کس شادی همه است.
۷. انقلاب در مناسبات انسانی بوجود می‌آورد. و هم ترازوی و برادری و یگانگی در همه دیده می‌شود، هر فردی دست در جیب برادر می‌کند و بدون هیچ شک و ممانعت و سوء ظنی به اندازه نیاز بر می‌دارد.

انقلاب علمی و فرهنگی مهدوی

۱. انقلابی معارفی بوجود می‌آورد و شناخت دین را رواج داده و متحوّل می‌سازد.
۲. خیمه‌هایی بپا می‌کند و قرآن را همانگونه که نازل شده به مردم خواهد آموخت.
۳. بشری را که تا آن روز در حکم نهضت سواد آموزی است به عالی‌ترین سطوح علمی خواهد رسانید.
۴. انقلابی فرهنگی بوجود می‌آورد و معلومات و اطلاعات جدید در دسترس بشریت قرار می‌گیرد، در حالی که تا آن روز تنها دو حرف از ۲۷ حرف علوم، اعم از معارف دینی و بشری کشف شده است و او ۲۵ حرف دیگر را خواهد آموخت.
۵. بدعت‌ها را از دین بیرون خواهد کرد و با

بدعت گران بگونه‌ای مبارزه می‌کند او را متهم به آوردن دین جدید می‌کنند.

۶. آتش فتنه‌ها و آشوب‌ها سرد می‌شود و سردرگمی‌های بشر به پایان می‌رسند.

عدالت جهانی مهدوی

صلح جهانی را برپایهٔ عدل جهانی استوار خواهد کرد و بشریت تشنهٔ عدالت را از چشمهٔ عدل خویش سیراب خواهد کرد.

قدرتی که همیشه در تاریخ بر ضد عدالت و حقوق بشر و معنویت بکار رفته، برای نخستین بار در سطح جهانی در خدمت عدالت و حقوق بشر و معنویت و آزادی در خواهد آمد.

ثروت بطور عادلانه در میان مردم تقسیم خواهد شد، بگونه‌ای که در دنیا یک انسان نیازمند به زکات وجود نخواهد داشت.

هدف و فلسفه اصلی نهضت تربیتی و انقلابی او، نجات مردم و آرمان وی، احقاق حقوق بشریت بدون استثناء است و هیچ تبعیض نژادی، قومی و فرقه‌ای در کار او نیست.

عدالتی می‌آورد که یک مثلث مبارک می‌طلبد، دو ضلعش به عهدهٔ او و یک ضلعش به عهدهٔ ماست.

چرا که رهبر و قانون عادلند و فقط امتی عدالتخواه می‌خواهد.

نور توحید و انسانیت و عدالت را همه جا و بر همه چیز می‌تاباند.

دانش و قانون و قدرت را در اختیار دارد. دانش تا با آن فرهنگ بسازد و قانون تا عدالت ایجاد کند و قدرت که دشمن را بر جای خود بنشانند.

امنیت و صلح جهانی مهدوی

در حکومت حضرت مهدی علیه السلام عدالت فراگیر می‌شود و همان طوری که گرما و سرما درون خانه‌ها می‌رود، عدالت در همه هستی نفوذ می‌کند. تا حدی که: گرگ و میش از یک آب‌خور می‌نوشند و در کنار هم می‌چرند.

یک زن به تنهایی بین عراق تا شام در امنیت کامل می‌رود در حالیکه همهٔ زیور آلات او همراه اوست، ولی نه نگران هجوم حیوان درنده‌ای است و نه گزنده‌ای.

ترس و وحشت از جهان بر می‌افتد و مردم به تدریج ترس را فراموش می‌کنند.

جنگ فرو نشیند و در هیچ شهری جز امن و امان و بشارت اتفاقی نخواهد افتاد.

چرا مهدویت

۱. چون منتظران راستین حضرت، برترین مردم در همه روزگاران هستند.

امام سجاد علیه السلام در این زمینه می‌فرمایند: مردم زمان غیبت آن امام که معتقد به امامت و منتظر ظهور او هستند از مردم هر زمانی برترند، زیرا خداوند عقل و فهم و معرفتی به آنها داده که غیبت نزد آنان به منزله مشاهده است.^۱

۲. چون منتظران حضرت بسان مجاهدان در راه خدا در رکاب حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشند.^۲
گرامی‌ترین امت و رفیق پیامبر از آنها یاد شده است.^۳

۳. چون اراده خداوند بر پیشوایی مستضعفان رقم خورده «و نريد أن فمن على الذين استضعفوا...»

۴. چون این خاندان معصوم هستند و آیه تطهیر در مورد آنها نازل شده است؛ و طهارت شرط عبادت است، «لا یمسه الا المطهرون»؛ «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا».

۱. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۹، ج ۲.

۲. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۳۶ و ۶۸.

۳. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۸۶، ج ۳.

۵. چون عصر ظهور امام مهدی علیه السلام عصر شکوفایی همه استعدادهای عقلی و معرفتی مؤمنان و آشکار شدن علوم پیامبران است.^۱

۶. چون قرآن به صراحت و قاطعیت از پیروزی نهایی اسلام به همه مکاتب و مذاهب دیگر «لیظهره علی الدین کله» و غلبه صالحان و پارسایان «یرثها عبادی الصالحون»، «والعاقبه للمتقین»؛ و حکومت-های جهانی آنان، کوتاه شدن دست زورگویان و ستمگران و آینده درخشان و سعادت‌مندانه بشریت سخن گفته و از آیات فوق‌الاشاره در روایات متعددی از سوی پیامبر و سایر امامان به زمان ظهور مهدی موعود علیه السلام تطبیق شده است.

وجود چند هزار حدیث در رابطه با مهدویت از مجامع معتبر روایی اعم از اهل سنت و منابع شیعی پاسخ بسیار شفافی به سئوال فوق می‌باشد.

۷. چون عصر ظهور امام مهدی علیه السلام عصر نابودی همه مظاهر بدعت؛ فراگیر شدن ایمان و صلاح و فضیلت؛ شکوفایی همه استعدادهای عقلی و معرفتی و آشکار شدن علوم پیامبران؛ نزول همه برکات آسمان و زمین بر مردمان؛ برقراری امنیت فراگیر؛ رفتار

۱. بحار الانوار، ص ۳۳۶، حدیث ۷۱ و ۷۳.

براساس سیره علمی و عملی پیامبر اکرم؛ احیای معارف قرآنی و نبوی در سطح جامعه و الهی کردن خواسته‌ها و امیال مردم است.

۸. چون امامت امام مهدی علیه السلام منصبی الهی است «بلغ ما أنزل إليك من ربك» که پس از انقطاع وحی؛ عهده‌دار استمرار سایر وظایف پیامبر خاتم صلوات الله است.

۹. چون امامت همچون نبوت جزء اصول دین است و نه از فروع آن، بنابراین مبحث امامت بخشی کلامی است نه فقهی.

۱۰. چون تفسیر وحی و تشریح مقاصد آن؛ بیان احکام مسائل جدید؛ پاسخگویی به شبهات اعتقادی و دینی؛ جلوگیری از تحریف در دین از جمله از وظایف پیامبر بود که به عقیده شیعه امامت و مهدویت تدبیر الهی و حکیمانه است که به منظور استمرار این وظایف تا روز قیامت در متن دین نهاده شده است.

۱۱. چون امام مهدی علیه السلام قطب و مرکز عالم هستی است و زمین لحظه‌ای از وجود و حضور امام و حجت الهی خالی نخواهد شد. به طوری که اگر دو نفر روی کره زمین باشند یکی از آنان امام و حجت الهی خواهد بود.

۱۲. چون امام مهدی رشته پیوند بین زمین و

آسمان است «أين السبب المتصل بين الأرض و السماء»

امام مهدی علیه السلام باب الله است «أين باب الله الذي منه يؤتى» و در قرآن نیز می خوانیم: «واتوا البيوت من ابوابها» باید از راه تو زندگی را سامان داد و به خدا رسید و کامل شد. امام مهدی علیه السلام باب الله الاعظم و دروازه قرآنی است «انا مدينة العلم و على بابها» و امروز المهدی بابهاست.

امام مهدی و مهدویت اساسی ترین نیاز جهان امروزی است.

۱۳. چون تمام عالم در محضر خداست و امام مهدی علیه السلام حجت خداست یعنی عالم در محضر نگاه فراخ اوست؛ «و قل اعملوا فسیری الله عملکم و رسوله و المؤمنون»؛ از امام صادق علیه السلام سؤال شد: مؤمنون در این آیه کیانند؟ فرمودند: «ائمہ علیهم السلام»^۱.

۱۴. چون دوستی با او دوستی با خداست و دشمنی با او دشمنی با خداست. «من والاهم فقد وال الله و من عاداهم فقد عاد الله»

۱۵. چون هر کس او را شناخت (امام مهدی علیه السلام) خدا را شناخته؛ شناخت و معرفت خدا در گرو

شناخت امام است. «من عرفهم فقد عرف الله و من

جهلهم فقد جهل الله»

۱۶. چون امام تنها راه پیوند با خداست «من

اعتصم بهم فقد اعتصم بالله و من تخلى منهم فقد

تخلى من الله عزوجل»

۱۷. چون دولت کریمه و مدینه فاضله او این

چنین در دعای افتتاح توصیف شده است: «اللهم إنا

نرغب اليك (رغبت اجتماعی) في دولة الكريمة تعز

بها الاسلام و اهله و تذل بها النفاق و اهله و تجعلنا

فيها من الدعاه الى طاعتك و القاده الى سبيلك و

ترزقنا بها كرامة الدنيا والاخره»

۱۸. چون به واسطه وجود حضرت مهدی علیه السلام زمین

و آسمان پایدار است و همه روزی دارند «بیمنک

رزق الوری و بوجودک ثبتت الارض و السماء»

۱۹. چون او عزت بخش دوستان و ذلت ساز

دشمنان است «أین معز الاولیاء و مذل الاعداء؛ أین

وجه الله؛ أین جامع الكلمه علی التقوا»؛ «ولقد وصینا

الذین اوتوا الكتاب من قبلکم و ایاکم أن اتقوا الله»

۲۰. چون ظهور او پایان دورویی، ستم، سختی و

اندوه، غربت و محرومیت، پستی، کثرت، پوچی،

انحطاط، انحراف، تباهی و سرگردانی است. «اللهم

اکشف هذه الغمة عن هذه الامة بحضوره و عجل لنا

ظهوره...»

۲۱. چون بواسطه وجود نازنین آن حضرت خداوند انسانها را از تاریکی جهل و نادانی و ماده مداری و دنیا گرایی و... به نور علم ایمان و انگیزه‌ها، شایستگی‌ها، همدلی‌ها، ارزشها، رویکردهای روحانی، خداپرستانه، آخرت گرایانه و راه راست رهنمون می‌سازد. يَهْدِي بِهٖ اَللّٰهُ مَنْ اَتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ اِلَى النُّورِ بِاِذْنِهٖ وَيَهْدِيهِمْ اِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ^۱

شب ظلمت و بیابان به کجا توان رسیدن
مگر آنکه شمع رویت به رهم چراغ دارد
عالم تمام گشت و به پایان رسید عمر

ما همچنان در اول وصف تو مانده‌ایم
۲۲. چون آئین امامان علیهم‌السلام حق است امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: «از آئین امامان است؛ تقوا، عفت، صالح بودن و صبر و شکیبایی در انتظار فرج»^۲

۲۳. چون آغاز و پایان دنیا بواسطه فیض وجودی آن امام همام است؛ «بکم فتح الله و بکم یختم»
۲۴. چون هر جامعه‌ای برای حفظ تشکیلات خود و ادامه راه تا رسیدن به مقصد مورد نظر، نیاز به

۱. سوره مائده آیه ۱۶.

۲. منتخب الاثر، ۹۸ - به نقل از یوم الخلاص، ج ۱، حدیث ۳۹۹.

وجود رهبری آگاه دارد تا اجتماع تحت نظر و فرماندهی او در مسیر صحیح حرکت کند. وجود رهبر پشتوانه بزرگی برای افراد است تا در یک سازماندهی منظم دستاوردهای قبلی را حفظ کنند و به تقویت برنامه‌های آینده همت گمارند.

۲۵. چون مهدی شناسی تنها راه خداشناسی است، امام حسین علیه السلام می‌فرمایند: «ایها الناس إن الله عزوجل ما خلق العباد إلا ليعرفوه (معرفه الله) معرفة كل زمان امامهم الذي يجب عليهم طاعته»؛^۱

۲۶. چون مهدویت و مهدی شناسی روح خداپرستی است؛ امام باقر علیه السلام فرمودند: «بنا عبد الله و بنا عرف الله و بنا وحد الله تبارک و تعالی».

۲۷. چون امام زمان تنها راه دینداری است «اللهم عرفنی نفسک فانک...» و در آخرین دعا ذکر شده است اگر انسان حجت خود را نشناسد در دینش به گمراهی می‌افتد. «اللهم عرفنی حجتک فانک أن لم تعرفنی حجتک ضللت عن دینی».

۲۸. چون امام زمان علیه السلام رحمت فراگیر الهی است. «السلام علیک ایها العلم المنصوب و العلم المصبوب

والغوث والرحمة الواسعه وعداً غير مكذوب»؛^۱

همراهی او باعث نجات و رها کردن او باعث گمراهی؛ شناخت امام باعث جلوگیری از انحرافات و گمراهی‌ها ست؛ امام موسی بن جعفر علیه السلام فرموده‌اند: «امام حجت بندگان است هر که او را رها کند گمراه می‌شود و هر که همراه او باشد نجات می‌یابد و رستگار می‌شود».^۲

۲۹. چون شناخت امام مهدی علیه السلام رسیدن به حیات معنوی است همانطور که پیامبر فرمود: «ای مردم هر کس بخواهد در زندگی همانند من باشد و همانند من از دنیا برود؛ ولایت علی را بپذیرد و از امامان پس از او پیروی نماید».^۳

۳۰. چون عهد با امام زمان علیه السلام عهد با خداست همانطور که امام صادق علیه السلام فرمودند: «من دان بولاية امیر المؤمنین و الائمة من بعده فهو العهد عندالله».^۴
در روایات دیگر امام صادق علیه السلام: «نحن عهدالله فمن وفى بعهدنا فقد وفى بعهدالله».

۳۱. چون نشانه رضایت اهل بیت و نشانه شیعه

۱. زیارت آل یاسین.

۲. معجم احادیث امام مهدی علیه السلام، ج ۴، ص ۱۴۸.

۳. مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۳۰۱.

۴. تفسیر نورالثقلین، ج ۲، ص ۳۶۲.

بودن و همراهی ائمه در قیامت است؛ امام کاظم علیه السلام خوشا بحال شیعیان ما «آنان که در زمان غیبت قائم ما به ریسمان دوستی ما چنگ می‌زنند و بر دوستی ما و بیزاری از دشمنان ما استوار بمانند، آنها از ما هستند و ما از آنها - آنها به پیشوایی ما راضی شدند و امامت ما را پذیرفتند و ما به شیعه بودن آنها راضی و خشنود شدیم، خوشا به حال ایشان به خدا قسم اینان در قیامت با ما و در رتبه و درجه ما خواهند بود.^۱

۳۲. چون مهدویت و مهدی یآوری آرزوی امامان

معصوم بوده است؛ امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «لو أدركته لخدمته ایام حیاتی»؛ اگر زمان او (قائم) را درک می‌کردم تمام زندگی ام را وقف خدمتگزاری به او خواهم می‌کردم.^۲

۳۳. چون راه مهدی همان راه محمد و علی و راه

قرآن است - در گذشته نه چندان دور راه محمد عرضه شد «انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق» و راه قرآن منتشر گردید؛ راه علی نشان داده شد اینک راه مهدی چهارمین راه است، چهار راهی که به یک مقصد منتهی می‌شود و آن حق و حقیقت است. پس

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲ باب ۳۴، ح ۵، ص ۴۳.

۲. بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۲۵۸.

چهاری است که با یک مساوی است راه محمد راه خداست، راه علی راه خداست، راه قرآن راه خداست، راه مهدی هم راه خداست «السلام عليك يا سبيل الله الذي...» «فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ»؛^۱ «أين وجه الله الذي يتوجه اليه الاولياء».

۳۴. چون تنها کسی که می‌تواند به اختلاف میان ملت‌ها و آیین‌ها پایان دهد امام زمان است. امام صادق علیه السلام فرمود: به خدا سوگندای مفضل (امام قائم) از میان ملت‌ها و آیین‌ها اختلاف را بر می‌دارد و یک دین بر همه حاکم می‌گردد.^۲

۳۵. چون یکی از مشکلات امروز جهان بشریت تبعیض نژادی است و امام زمان علیه السلام اولین کاری که می‌کند مقابله با تبعیض نژادی و برتری برخی عناصر و انسانها بر برخی دیگر که امروزه باب شده است، سخت مقابله خواهد کرد و ملاکهای برتری در اسلام را احیاء می‌کند که عبارتند از علم، تقوا، جهاد و... .

۳۶. چون با آمدن حضرتش فصل رشد و بالندگی زمینه و شرایط و عوامل اصلی صلاح - شایستگی - رفاه اجتماعی - عدالت - دادگری قانون شناسی - تعهد

۱. سوره بقره آیه ۱۱۵.

۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴.

پذیری - مهرورزی - حجت - ایثار و فداکاری - رشد
 تربیتی - و صلح و صفا و آرامش - و ظهور و بروز
 تمام خوبیها و نیکیها عصر ظهور حضرتش عصر
 زیباییها - نو آوریها - شکوفایی خیر و خوبی است
 دوران معنویت گرایی خردورزی و دادگری مطلق
 است - هنگام رویش و بالندگی روحی و تکامل واقعی
 است. زمان نعمت - رحمت، برکت و پیشرفت است -
 دوران حاکمیت دین، قانون و نظم است. زمان تغییرات
 و تحولات گسترده و فراگیر در تمامی عرصه‌های
 زندگی و حکایت گر نو شدن، شکوفا شدن و به اوج
 رسیدن است. البته کمال انسان با وجود انسان کامل و
 به دست کمال بخش او قابل دستیابی است. و به همین
 جهت عصر ظهور دوران تجلی تبلور خیرات و
 زیباییها است مصلح کل و منجی موعود علیه السلام مهدی
 است.

۳۷. چون یکی از ویژگی‌های بارز و برجسته
 عصر امامت امام مهدی علیه السلام و حاکمیت وی شکوفایی
 انسان است - یعنی رونمایی از همه استعدادها و
 ظرفیت‌های وجودی انسان و بازگشایی راه‌های
 پیشرفت مادی و معنوی و بهره‌وری بهینه از نعمت‌ها
 و امکانات است.

نوشته‌های سبز

یک جور نگرانی مثل خوره افتاده توی ما که نکند شما به کل ما را فراموش کرده اید. ببینید آقا! این جا. قضیه ما را یادتان هست؟ یک قراری بود که شما جلو بروید و ما پشت سرتان راه بیافتیم و این حرفها... یادتان هست؟

حتما این خاطرتان هست که شب رسیدیم بیابان؟ از بخت بد شاید مهتاب که پماند، یک ستاره هم نبود. ابرها چفت هم، ظلماتی درست کرده بودند: غلیظ، تو در تو چشم، چشم را نمی‌دید. چنگ می‌زدیم به ردای هم که یکهو جانمانیم: چون گم اگر می‌شدیم دیگر واویلا بود.

لرز هم گرفته بودیم، چه جور. عین جوجه‌ی یک روزه که پر و بال مادرش را پیدا نکند می‌لرزیدیم. لاگردار، یک سرمایی شده بود: انگاری رفتیم سرزمین یخ بندان. سوز می‌زد توی چشم و چال آدم.

هیچ کی هم نبود. رهگذری، خارکنی، مسافری... هیچ. فقط باد بود. هی هو می‌کشید و هم‌آورد می‌خواست. بوته‌خارها را بلند می‌کرد و دیر می‌جنیدیم می‌کوفت روی سرو رویمان. مثل یک زن بیابانی دور خودش می‌رقصید و شن می‌پاشید هوا. شن

ریزه لای دندانها قرچ قرچ می کرد.

هی یکی می افتاد زمین. صف می ایستاد تا آه و ناله اش را بکند و پا شود. تا یکی دیگر. شما گفتید: «اینطور که نمی شود، جلوی پایتان را هم نمی بینید». راستی هم نمی دیدیم. پا که می گذاشتیم، اصلا نمی فهمیدیم کجا است. خار است، خاک است، سنگ است... ولی شما مثل ما نبودید... چه جور آدم کف دستش را می شناسد؟ شما همچین رهوار می رفتید که خیال کن کوره را هها، شیار کف دستتان هستند. بلد راه بودید آقا، چه بلدی.

بعدش یک تپه ماهوری، چیزی پیدا شد ما منتظر دستور و حرف شما دیگر نشدیم. همان دجا وا رفتیم. مثل شله ای ولو شدیم. شما هی دور ما چرخ زدید. رفتید این ور آن ور. دلتان شور مارا می زد که ما تا صبح آیا دوام می آوریم یا نه؟

یادآوری اش البته شرمندگی است، ولی چه می شود کرد؟ اول زیر لبی بعد که رویمان باز شد، شروع کردیم به ایراد بنی اسرائیلی گرفتن. یک چیزهایی شبیه این که «ما را برگردان پیش فرعون، آنجا خوشتر بودیم». «یک چیز بده همین جا پرستیم، خدای تو خیلی دوره». حتی اشتباه نکنم آخرش یکی مان در آمد و گفت: «تو و خدایت برید جلو، کارها که کردید،

بیایید دنبال ما».

شما بدتان نمی‌آمد که هیچ، ول کن هم نبودید. ناز خریدید. وعده دادید... دستان را کشیدید. دورمان راه رفتید، تا بلکه ما به «رفتن» رضا بدهیم. یادم نمی‌آید یکبار گفته باشید. «ا که هی! ساربان یک مشت علیل و ذلیل». حتی نشستید برای پاهای تاولی مان گریه کردید، گفتید: «یک جوری باید گرمتان کرد.» گفتید: «اگر بشود کاری کرد جلوتان را بینید!»

ما فقط گوش می‌کردیم. پشت آن تپه، کرخت و مات نشسته بودیم و مثل گنگها، شما را دید می‌زدیم که دست سایبان چشم می‌کردید. نگران، افق دور بیابان را می‌دید و ب دلهره می‌گفتید: «این جا، یخ می‌زنید!» «این جا، گم می‌شوید!» «این جا می‌ترسید». راست هم می‌گفتید، ولی ما دیگر حوصله‌ی تائید هم نداشتیم همه جل و پلاسمان را پیچیده بودیم دورمان. فقط چشم هامان پیدا بود. آن هم نیمه با زو خمار. اولش چرت‌های نیمه کاره زدیم، بعد دیگر راستی ندیدیمتان. صداتان البته تا چند وقتی می‌آمد توی گوشمان. التماس می‌کردید: «نخواهید، حالا نه، حالا نه.»

من یکی که آخرین صدایی که از گلوتان شنیدم فریاد بود. داد می‌کشیدید: «من یک آتش می‌بینم». توی

همان خماری با خودم گفتم، لابد شما فکر کردید ما ساده ایم. به هوای یک آتشی آن دورها چشمان را دوباره باز می‌کنیم و از این سکر کیفوری می‌آییم بیرون، ولی نه. ما سنگین خوابیده بودیم. رفیقمان می‌گوید: «شما بعد می‌گفتید می‌روم شعله بیاورم». گفتید: «نور باشد، همه چی درست می‌شود». ما لای خرناسه-ها توی دلمان گفتیم: «طفلک ساربان جوان». گفتیم: «چرا دل نمی‌کنی از ما، بابا راه خودت را برو دیگر.» صدای پای نشنیدیم که بفهمیم رفتید به کدام طرف یا چه کار کردید؟ داشتیم هفت تا پادشاه و هفت تا دولت را خواب می‌دیدیم. نصفه‌های شب، ولی پریدیم. دندان‌ها از سرما کلید، یک نرمه یخ روی مو و ابروها مان. دیدیم نیستید. پتو، ردا و لباس هاتان را انداختید روی پاهای برهنه ما و رفتید. دیدیم با دستهایتان دور تا دور، تپه‌های شنی درست کردید که شغال‌ها ما را دیرتر ببینند. شتر خودتان را دو زانو زده، کرده بودید حائل ما که نکند طوفان شن بیاید یا گردبادی. حتی تکه نان‌ها و ته مشک آبتان را هم گذاشته بودید کنار دستمان.

گفتیم حتما جایی همین دور و بر هائید، ولی نبودید. نه یک قدم، نه ده قدم دورتر. فقط چیزی که بود، یک رگه مهتاب از آن ابرهای تو در تو زده بود

بیرون که می‌شد با همان باریکه نور، رد پایتان را پیدا کنیم. چهار دست و پا، وحشت زده افتادیم روی رد. رد پا رفت تا یک بوته گزنک، بعد جلوتر، جلوتر و ناگهان قطع شد. ته نعلین هایتان. گفتم حتما خواستید بدوید. نعلین‌ها را هم کنید و به دو رفتید که شعله را برایمان بیاورید، ولی ردی از پاهای برهنه نبود. هیچی نبود. همه چیز همان جا روی نعلین تمام شد.

فکر می‌کنید ما الان کجاییم؟ همان بیابان. همان شب. وحشت زده و بیخ کرده کنار شما که یک هو، تمام شده؛ همین. نشسته‌ایم این جا و باریکه‌ای نور از پشت توده ابرها افتاده توی صورتمان.

آقای ساربان جوان!

یعنی ممکن است ما را یادتان رفته باشد؟

نیازهای نسل نو

حرفهای ما

امروزه کمتر خانواده‌ای را می‌توان یافت که نوجوان یا جوان داشته باشد و از درگیری با او شکوه نکند و شاید هخم نتوان معلم یا استادی پیدا کرد که از بی انگیزه بودن این دو گروه در تحصیل و حتی زندگی، گله‌مند نباشد.

آری، اکثر بزرگ سالان معتقدند که جوانان

امروزی حد و مرز نمی‌شناسند. انگیزه کاری ندارند، سطح سوادشان پایین است و...

اما این نوع داورها، در واقع تنها به قاضی رفتن و راضی برگشتن است. باید از والدین، معلمان، استادان و کلا بزرگسالان ناراضی از نسل جوان، پرسید که اگر جوان امروزی انگیزه کاری ندارند، اگر هنجارهای اجتماعی را رعایت نمی‌کنند و بسیاری اگرهای دیگر، پس چرا جهان، روز به روز پیشرفت می‌کند و هر روز اختراعات جدیدی به وجود می‌آید. اگر باور ندارید، بیایید دیوارهای سر به فلک کشیده بین خود و نسل جوان را بردارید. آن وقت خواهید دید که چه کسی قدرت پرواز دارد، می‌تواند اوج بگیرد و به قله ترقی و تعالی برسد....

نسل جوان ما، اگر درک شود، مشکلات و نیازهایش شناخته شود و بستر مناسبی برای رفع خواسته هایشان فراهم گردد، مجال خودشکوفایی خواهند یافت.

با در نظر گرفتن بیش از پانزده میلیون نوجوان و جوان کشور، که نیروی محرکه و پویای جامعه محسوب می‌شوند، بررسی نیازها و خواسته‌های آنها، بحثی در خور تأمل است. برای رسیدن به چنین هدفی، شناخت زبان ارتباطی، خصایص رفتاری و شناخت

ویژگی‌های مربوط به این دوران، شایسته توجه و دارای اهمیت است؛ چرا که در این دوره، نوجوان و جوان، به حرکات و رفتارهای منطقی نیاز دارد. و هر چیز را از دیدگاه رفاقت، صمیمیت و دوستی، قابل حل می‌داند.

* * *

با یک کاوش در متون روانشناسی، روشن می‌شود که انسانها، در این مرحله از زندگی (نوجوانی - جوانی)، نیازهای خاصی دارند که می‌توان به ترتیب زیر به آنها اشاره کرد:

نیاز به دوستی و مهربانی: کمبود محبت در اکثر مواقع، باعث بروز رفتارهایی از سوی فرزندان می‌شود که در نتیجه احساس حقارت است و ممکن است باعث احساس تنهایی و انزوا در نوجوان و جوان شود.

نیاز به امنیت و آسایش: احساس امنیت و آسایش بیش از هر چیز دیگری ادامه زندگی را سهل و آسان می‌کند. چنانچه جوان، امنیت آرامش را در محیط زندگی خود و از آن بهتر در درون خود احساس نماید، راحت‌تر می‌تواند خود را با محیط اطراف وفق دهد و آن را نیز کامل‌تر بشناسد و با این شناخت آینده‌ای روشن و سرشار از سعادت و نیکبختی را برای خود رقم بزند.

نیاز به «احساس تعلق»: در بعضی مواقع، معیارهای گروهی بیشتر از معیارهای خانواده و مدرسه در رفتار نوجوانان و جوانان تأثیر دارد و آنها تلاش می‌کنند که در اکثر معاشرت‌ها و رابطه صمیمانه با آنها خود را با معیار گروه مطابق سازند. گروه همسالان جایی است که نوجوان و جوان بتوانند توانایی‌ها و استعدادهای خود را در حد اعلا نشان دهد و رضایت خاطر کسب کنند حتی اگر آنان در شمار گروه‌های مخرب و ضد اجتماعی باشند. جوانان برای گریز از تنهایی و غربت، اشتیاق عمیق به گروه پیدا می‌کنند و شاید به وجود آمدن این همه گروه‌های علنی و غیر علنی، به علت نیاز به «احساس تعلق» باشد که در جایی دیگر برآورده نمی‌شود.

نیاز به مقبولیت و احترام: نیاز به مقبولیت و احترام، گویای این حقیقت است که کنترل محیط، همیشه بریا انسان، لذت بخش است و ذاتا موجب سر بلندی و رضایت خاطر می‌گردد. نوجوانان و جوانان به خاطر ارزشهای ثابت و استوار و معمولا عالیشان، به احترام خود یا عزت نفس و احترام دیگران، نیاز و تمایل دارند. لذا، وقتی آنان تصور می‌کنند انتظارات توقعات محیط و اطرافیان را به خوبی می‌توانند برآورده کنند، در این جهت نیز حرکت می‌کنند.

داشتن توقع احترام از دیگران و احترامی که فرد به خویشتن می‌گذارد، باعث می‌شود که نیاز فرد به احترام و عزت نفس، در جامعه ارضا شود. البته همه اینها مبتنی بر رفتار مسئولانه نوجوانان و جوانان است که استحقاق احترام را داشته باشند، نه بر اساس تعریف و تمجیدهای ظاهری و بی‌مورد که صرفاً جهت خوشامد آنان بیان می‌شود.

نیاز به استقلال: داشتن استقلال و نیاز به آن، جزء نیازهای اساسی برای هر انسانی است؛ زیرا چنانچه فرد، احساس کند که تحت تسلط و نفوذ دیگران است، علاقه و اشتیاق به زندگی را از دست می‌دهد. در دوره نوجوانی و جوانی، انسان، بیش از سایر دوره‌های زندگی خود، مجال خودنمایی پیدا می‌کند. چنانچه با فرصت کافی، توانایی‌ها علایق واقعی خویش را به عرصه ظهور برساند، می‌تواند واقعیت درونی خود را بهتر بشناسد. چنین شناختی منجر به خودشناسی خواهد شد. و کسی که توانایی‌ها و امکانات و ضعف خود را بشناسد، آینده بهتری را برای خود ترسیم می‌کند.

نیاز به قدردانی: در دوره نوجوانی و جوانی، انسان نیاز به این دارد که اطرافیانش از تلاش‌ها و کارهای مفیدش قدردانی و از او تشکر کنند. چنانچه از وی

تشکر و قدردانی نشود و مورد حمایت و تشویق قرار نگیرد، نوعی بی انگیزگی و ناامیدی به فرد دست خواهد داد.

نیاز به داشتن هدفی مشخص در زندگی: چون زندگی انسان بدون هدف، فاقد معناست، انسان‌ها سعی می‌کنند دست به فعالیت‌هایی بزنند که برای آن، هدفی در نظر گرفته‌اند و این هدف است که نیروی تحرک آنها را چندین برابر می‌کند تا بتوانند رضایتی را در این مسیر به دست آورند. لذا، بین هدف و تحرک، نوعی همبستگی مثبت وجود دارد (یعنی هرچه هدف بزرگتر باشد، تحرک و فعالیت، بیشتر است). به همین دلیل، جوانانی که در زندگی شان هدف مشخصی ندارند و یا هدف کوچکی را تعقیب می‌کنند، زندگی - شان فاقد ارزش است و دائما افسردگی، بیانگیزگی و ناامیدی همراه با احساس تنهایی، پوچی و سردرگمی به آنها دست می‌دهد.

نیاز به احساس هویت و شناخت خود: از مهم‌ترین نیازهایی که نوجوان و جوان در خود احساس می‌کند، نیاز به احساس هویت و شناخت خود است. یافتن هویت واحد و مشخص، این امکان را به آنها می‌دهد که بتوانند در سایه آن به شناخت خود و محیط اطراف خود دست یابند.

یافتن الگو توسط جوانان در این دوره متداول است تا بتوانند در پناه آن قرار گرفته، با قرار دادن خویش به جای آن الگو، خود را فردی جدید به اطرافیان بشناسانند.

شناخت خود و درک این نکته که نوجوان بداند که کیست و چیست، باعث احساس هویت و حفظ تعادل روانی و عاطفی در مقابل فشارهای درونی و بیرونی‌اش می‌شود.

نیاز به رشد، کمال و خود شکوفایی: علاقه نوجوانان و جوانان فحول این محور، دور میزند که آنچه را در درون خود به صورت بالقوه دارند، به صورت بالفعل درآورند تا به دیگران نمایش دهند. پیامد چنین رفتاری، احساس بزرگ شدن، بلوغ و سلامت روان است. هر چند که ممکن است فرد در رسیدن به چنین اهدافی موفقیت زیادی نداشته باشد و شکوفا نگردد، لیکن نیاز به آن را در خود احساس می‌کند و لذا با این‌گونه اعمال نیز ظرفیت‌ها و توانایی‌های علمی خود را محک می‌زند. در این راستا، نوجوان، سعی می‌کند تا هر کاری را به او واگذار شده است، به بهترین شکل انجام دهد.

شاید تحقق بخشیدن به ارزش‌ها و آرمان‌ها و اعمال مذهبی، انسانی، اجتماعی و نظایر آن، مربوط به ارضای این نیاز باشد. فرد برای رسیدن به این هدف،

حتی از جان خود نیز مایه میگذارد، مانند شهدا که همه چیز را فدای اعتقادات و آرمان‌های خود کرده‌اند تا به حد کمال برسند.

نیاز به معنویت و مذهب: نجات از بسیاری از تشویش‌ها و اضطراب‌های روحی، به وسیله گرایش انسان به مذهب و یاد خدا تحقق می‌یابد. به نظر روان‌شناسان، دوران بلوغ و جوانی دوره بروز احساسات مذهبی و شکفته شدن تمایلات ایمانی و اخلاقی است. در این دوره، جوانان به طور فطری از عالم مبدأ با خبر می‌شوند و در جستجوی پیدا کردن حق هستند.

امروزه یکی از مهمترین مشکلات مذهبی جامعه ما، کمبود معنویت است (خصوصاً در قشر نوجوان و جوان کشور)، در حالی که نیاز به معنویت از سوی روان‌شناسان برجسته‌ای ذکر شده است. به طور مثال، گالانتر (به سال ۱۹۸۶م)، فیز (به سال ۱۹۹۱م) و برگین (به سال ۱۹۹۱م) اظهار می‌دارند که «مذهب»، با «سلامتی روانی»، همبستگی مثبتی^۱ دارد. به عبارتی، افراد مذهبی دارای سلامت روانی و انعطاف پذیری بیشتری نسبت به افراد غیر مذهبی هستند.

همچنین «ویلیام جیمز» می‌گوید: «موثرترین

۱. مشکلات نوجوانی و جوانی، ابوالقاسم اکبری، تهران: ساوالان، اول، ۱۳۸۱.

داروی شفابخش نگرانی‌های انسان، همان ایمان و اعتقاد مذهبی انسان به خداست.»

مانسون^۱ نیز در سال ۱۹۹۸م، در پی تحقیقی در باب نقش مذهب در بهداشت روانی افراد به این نتیجه رسید که دعا، یکی از رفتارهای مذهبی مرتبط با سلامت روانی و تندرستی است^۲

برخی از روانشناسان معتبر، اذعان داشته‌اند که اعتقاد به خدا و توکل به او، نیرویی در انسان ایجاد می‌کند که در برخورد با مشکلات، با تلاشی مضاعف، امیدوارانه راه رسیدن به کمال و موفقیت را طی نماید. همان‌گونه که حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «هر کس برخدا توکل کند، امور سخت و سنگین بر او خوار و نرم و آسان می‌شود و اسباب و وسیله‌ها برایش فراهم می‌گردد و در آسایش، راحتی و کرامت، جای می‌گیرد.^۳ در واقع، اعتقاد به چنین سخنان حکمت آمیزی، انسان را به یک منبع قوی معرفتی متصل نگه می‌دارد که دائما از آن منبع عرفانی، فیض می‌گیرد و تقویت می‌شود. در حقیقت، روان‌شناسی امروزی می‌رود تا آرامش و اطمینان را در «یاد خداوند»^۴ جستجو کند.

۱.

۲. همانجا

۳. شرح غررالحکم و درر الکلم، آقا جمال خوانساری، ج ۵، ص ۴۲۵

۴. قرآن می‌گوید: «دل آرام گیرد به یاد خدای» (سوره رعد، آیه ۲۸)

سخن پایانی

«خدایا، درود فرست بر مولا و سرورم صاحب الزمان، و مرا از یاران، پیروان، مدافعان و نصرت کنندگانش قرار ده، از آنان که در رکابش شربت شهادت می‌نوشند، با شوق و رغبت، بی هیچگونه کراهت.»

هادیان، همواره آرزومند همراهی آن حضرت را بر «گام در گام گل» نهادن توصیه فرموده‌اند.

مصلحت دید من آنست که یاران همه کار بگذارید و خم طره یاری گیرند

خوش گرفتند حریفان سر زلف ساقی
گرفلکشان بگذارد که قراری گیرند

انتظار و آماده بودن نخستین شرط وفا داری است،
آراستگی رفتار و پیرایش کردار و همانند سازی
جلوه‌های زندگی با الگوهای پذیرفته شده امام،
نمادهای آمادگی است

«هر یک از شما خودش را برای خروج قائم آماده

کند ولو با تهیه یک تیر، که اگر خداوند این آمادگی را در نیت شما ببیند امیدوار هستم که خداوند در اجلتان مهلت دهد تا ظهور او را درک کرده از اعوان و انصار «بزرگوار باشید».

زیباترین اثر انتظار همراه با آمادگی، شکل‌دهی شخصیت و ساماندهی زندگی بر اساس معیارهای دینی است، در اینصورت شایسته این بشارت خواهیم بود: «خوشا بحال پیروان قائم؛ آنان که در دوران غیبت، ظهورش را به انتظار می‌کشند و در عصر ظهورش در پیروی از او پای می‌فشارند، آنان اولیاء خداوند هستند که نه ترسی در دل و نه چیزی واهمه دارند».

رسم دوستی

دوستی مهدی موعود علیه السلام، همراهی و متابعت او را می‌طلبد تا توفیق «یار» بودن به جوان ارزانی داده شود، بنابراین با درنگ در «نشانه‌ها» می‌توان خود را محک زد، ناسره را زدود و حریم دل را برای درک قائم آذین بست و به «انتظار» موعود مهیا شد؛ انتظاری که امام صادق علیه السلام چنین از آن یاد می‌کند:

«بخدا سوگند من اگر آن روز را درک می‌کردم
جانم را برای حضرت صاحب‌الأمر علیه السلام فدا می-
کردم.»

و در گفتاری دیگر می‌فرماید:

«اگر او را درک می‌کردم، تمام عمرم را در خدمتگزاری او می‌گذراندم.»

این کلام امیر مؤمنان علی علیه السلام را می‌توان به عنوان منشور جوان، دلیل و راهنمای راه دانست؛ چه در عصر غیبت و چه در عصر ظهور؛ امام فرمود:

«از او تخلف نکن اگر او را درک کنی، از او مگذر اگر بسوی او هدایت شدی.»

سایه حق بر سر بنده بود

عاقبت جوینده یابنده بود

گفت پیغمبر که چون کوی دری

عاقبت ز آن در برون آید سری

چون نشینی بر سر کوی کسی

عاقبت بینی تو هم روی کسی

جمله داند این اگر تو نگروی

هر چه می‌کاریش روزی بدروی

کلام را با چند فراز از «دعا عهد» به پایان می-

بریم؛

بار خدایا! ما را از یاوران و کمک کنندگان و

مدافعان وی قرار ده؛

آنانی که:

از پی انجام مقاصدش شتافته،

اوامرش را امثال کرده،

معرفی چند کتاب پیرامون امام زمان علیه السلام

کتابهای مفید مقطع راهنمایی

۱. و آن که دیرتر آمد (الله بخشی؛ انتشارات مسجد مقدس جمکران)
۲. صبح امید (جواد محدثی؛ مؤسسه فرهنگی انتظار نور - بوستان کتاب)
۳. غریبه آشنا (احمد پهلوانیان؛ بوستان کتاب)
۴. سرود سرخ انار (الله بخشی؛ انتشارات مسجد مقدس جمکران)
۵. اولین شب بهار (محمد تقی اختیاری؛ ناشر مدرسه)
۶. آن سواران سیاهپوش (مجید ملا احمدی؛ عروج اندیشه)
۷. مجله انتظار نوجوان (مؤسسه آینده روشن قم)

به حمایت او بر خواسته
و به سوی اراده‌اش مشتاقانه سبقت می‌گیرند.
و در حضور حضرتش به درجه رفیع شهادت
می‌رسند.

پروردگار! گر میان من و او مرگ جدائی افکند،
پس مرا از قبر بر انگیز؛ در حالی که کفنم را ازار
خود کرده و شمشیر را از نیام بر کشیده و لیک
گویان دعوتش را - که اطاعتش بر تمام شهر و دیار
عالم لازم است - اجابت کنم.

ای خدا!

آن طلعت بلند بالا و چهره زیبا را به من بنما،
و او را از پرده غیبت پدیدار کن،
و بر چشمانم با نگاهی که بر او می‌افکنم سرمه
کش.